

## بسم الله الرحمن الرحيم<sup>۱</sup>

کلام در تنبیه دوم در اقل و اکثر ارتباطی در زیاده در مرکبات اعتباری بود. سه مطلب بحث شد و به اینجا رسیدیم که آیا زیاده در مرکبات اعتباری مبطل عمل است یا نه؟ نماز خوانده با دو رکوع یا با دو تشهد. عرض شد گاهی دلیل جزء را که مراجعه می‌کنیم بشرط لای از زیاده است مثل رکوع، این مسلم عمل با زیاده باطل است، گاهی دلیل جزء لا بشرط از زیاده است مثل ذکر، که معلوم است زیاده مبطل نیست، گفتیم اگر دلیل اجمال داشت، می‌گوید «**تشهد فی الصلاة**» اینجا وظیفه چیست؟ گفتیم دو نظریه است، نظریه اول این بود که زیاده مبطل نیست وجهش این است که اقل و اکثر ارتباطی است نسبت به قید عدم زیاده برائت جاری می‌کنیم مگر یک مورد که زیاده به قصد تشریع باشد که عمل باطل است. این نظریه اول بود که ما هم همین نظریه را قبول کردیم.

**نظریه دوم:** جمعی از اعلام می‌فرمایند در زیادی در مرکبات اعتباری باید احتیاط کرد و عمل باطل است و دوباره مرکب اعتباری را انجام داد. دو بیان برای این نگاه مطرح شده است:

**بیان اول:** می‌گویند زیادی در مرکب اعتباری تغییر هیئت موظف به است، و تغییر هیئت موظف به صحیح نیست و مجزی نیست. لذا اعاده واجب است.

عرض می‌کنیم که این بیان آقایان اجمال دارد و در آن دو احتمال است:

**احتمال اول:** گفته شود زیاده، تغییر هیئت موظف به است شرعا، یعنی تشخیص داده شده هیئت شرعی این عمل با یک تشهد است، شما دو تشهد آوردید، هیئت موظف به را شما تغییر دادید و این مجزی نیست. اگر مقصود این است سؤال ما این است که هیئت موظف به را شرعا باید از دلیل جزء استفاده کنیم، اگر دلیل جزء به شرط لا است بله الان شما دو تشهد خواندید هیئت موظف به را تغییر دادید عمل هم باطل است ما هم قبول داریم. ولی فرض این است که دلیل جزء اجمال دارد پس در حقیقت هیئت موظف به شرعی را نمی‌دانیم، چگونه هیئت موظف به شرعی را تغییر دادیم؟

**احتمال دوم:** اگر مقصود شما هیئت موظف به عرفی است و عرفا می‌بینیم مردم نماز با یک تشهد می‌خوانند و من نماز با دو تشهد خواندم لذا تغییر هیئت موظف به عرفی است، به چه دلیل تغییر هیئت موظف به عرفی مشکل داشته باشد؟ (هیئت موظف به عرفی این است که هنوز دستهایش برای قنوت بالا نرفته سریع میاد پایین ولی یکی هم از علما در قنوت نماز دعای ابوحمزه ثمالی می‌خواند) تغییر هیئت موظف به عرفی که مشکل ندارد. لذا تغییر هیئت موظف به عرفی هم دلیل نداریم سبب بطلان مرکب اعتباری شود لذا بیان اول آقایان بر بطلان عمل و لزوم احتیاط در زیاده در مرکبات اعتباری قابل قبول نیست.

**بیان دوم:** یکی از محققین از اعلام در کتاب **انوار الاصول** ص ۱۹۱ ایشان هم می‌فرمایند در زیادی عمدی در مرکبات حقیقی قاعده این است که زیاده مبطل است و عمل باید اعاده شود. خلاصه دلیلشان این است که می‌فرمایند از طرفی در مرکبات حقیقی عرفی مسلم زیاده مبطل هیئت مرکب است مثلا پزشک یک معجونی را دستور می‌دهد که مخلوط از چند محصول است، ایشان می‌فرمایند در مرکبات حقیقی اگر کسی جزء را زیاد کند مسلم مبطل آن هیئت مرکب حقیقی است.

گفته پنج سی سی آب ولی این یک لیتر آب اضافه کرده است، لذا در مرکبات حقیقی عرفی زیادی جزء سبب می‌شود آن مرکب از تأثیر خودش بیافتد و مسلم تعدی از دستورات موالی عرفی در مرکبات حقیقی جایز نیست.

از طرف دیگر این بناء عقلاء هر چند با عدم الردع مورد امضای شارع قرار گرفته است، پس شارع این بناء را امضا کرده است، وقتی شارع مقدس این بناء عقلاء را هر چند با عدم الردع امضا کرده است اگر در مرکبات اعتباری شرعی هم جزئی اضافه شود این تعدی از حدود مولا صحیح نیست و موجب بطلان عمل می‌شود. بعد ایشان اضافه می‌کنند و می‌فرمایند کسانی که قائلند زیادی در مرکبات اعتباری مشکلی ندارد دلیلشان یا برائت عقلی است و یا برائت نقلی، ما اقامه دلیل اماری داشتیم سیره عقلای ممضات، سیره عقلای ممضات که یک اماره شرعی است می‌گوید زیادی در مرکبات اعتباری مضر است وقتی سیره عقلا داشتیم

نه نوبت به قاعده قبح عقاب بلایان می‌رسد و نه نوبت به «رفع ما لا يعلمون» می‌رسد لذا در شک در زیادی در مرکبات اعتباری احتیاط واجب است و زیاده مبطل است.<sup>۲</sup>

این دلیل به هیچ وجه قابل قبول نیست، شما تأمل کنید ما هم بعداً توضیح خواهیم داد.

**اولاً:** اصل ثبوت سیره عقلاً که زیاده مطلقاً باطل است، این اول کلام است ممکن است در مواردی مثل مناسبت حکم و موضوع و یا قرینه حالیه دلیل بگوید زیادی مبطل است ولی در همه زیادات این سیره نیست که زیادی مبطل است.

**ثانیاً:** مگر شارع در امور تکوینی هم دخالت می‌کند که عدم الردع شارع باعث یک سیره ممضات باشد. مرکبات حقیقی را عرف مواردی دارد ولی سکوت شارع باعث امضای شارع نمی‌شود اصلاً مرکبات اعتباری ربطی به شارع ندارد.

**نتیجه:** تا اینجا در زیاده در مرکبات اعتباری اگر دلیل داشتیم دلیل جزء که زیاده مبطل است و به شرط لا است، می‌گوییم زیاده مبطل است یا دلیل داشتیم لا بشرط است می‌گوییم زیاده مبطل نیست. ولی هر جا دلیل نداشتیم و نوبت به اصول عملی رسید و دلیل جزء اجمال داشت اصول عملی می‌گوید شک داریم آیا این جزء بشرط عدم زیادی است یا نه؟ اقل و اکثر ارتباطی است به نظر ما هم براءت عقلی و هم براءت نقلی جاری می‌شود.

**مطلب چهارم:** یک استثناء است برای این قاعده اولی، در باب صلاة و در باب طواف ما دلیل خاص داریم که زیاده مبطل است لذا از قاعده اولی دست برمی‌داریم. بحث از این مطلب چهارم بحث فقهی است ولی بما اینکه جمع زیادی از اصولیین اینجا به مناسبت اشاره می‌کنند ما بسیار مختصر این نگاه به زیاده را در باب صلاة اشاره می‌کنیم و این تنبیه تمام می‌شود.

در باب صلاة سه دلیل داریم که کیفیت جمع بین این سه دلیل ما را به این نتیجه می‌رساند که زیاده مبطل است.

**طائفه اول:** حدیث من زاده حدیث سند معتبر است «**الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ قُضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِي عُمَانَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ زَادَ فِي صَلَاتِهِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ**».<sup>۳</sup> این اطلاق دارد چه زیادی عمدی و چه زیادی سهوی.

**طائفه دوم:** روایتی است که تصریح می‌کند زیادی سهوی هم مبطل است. صحیح **زراره** «**عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أَذْيَنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرِ ابْنِ أُعَيْنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ زَادَ فِي صَلَاتِهِ الْمَكْتُوبَةَ - لَمْ يَعْتَدْ بِهَا وَاسْتَقْبَلَ صَلَاتَهُ اسْتِقْبَالًا إِذَا كَانَ قَدْ اسْتَيْقَنَ يَقِينًا**».<sup>۴</sup> وقتی یقین پیدا کرد که زیاد کرده در نمازش چیزی را، به نماز قبلی اعتنا نکند و دوباره نماز را اعاده کند، بعداً یقین پیدا کند یعنی از اول یقین نداشت.

**طائفه سوم:** حدیث لا تعد است سند به نقل **شیخ صدوق** معتبر است و به نقل **شیخ طوسی** مشکل سندی دارد و به نقل **شیخ کلینی** مشکل دلالی دارد «**و رَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ قَالَ لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ خَمْسَةِ ٣ الطَّهَوْرِ وَ الْوَقْتِ وَ الْقِبْلَةِ وَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ ثُمَّ قَالَ الْقِرَاءَةُ سُنَّةٌ وَ التَّشَهُدُ سُنَّةٌ وَ لَا تَنْقُضُ السُّنَّةُ الْفَرِيضَةَ**».<sup>۵</sup> اخلال به این پنج مورد مبطل است و اخلال به سایر موارد اشکال ندارد.

ابتدا به صورت مختصر چند نکته کوتاه در مورد فقه الحدیث این سه حدیث اشاره می‌کنیم و بعد بین این سه طائفه جمع می‌کنیم.

۲ - انوار الأصول؛ ج ۳؛ ص ۱۶۷: «لكن يمكن أن يقال: بأن بناء العقلاء في المركبات المخترعة مثل الأدوية والأغذية على عدم جواز إتيان الزيادة، فلو أمر المولى بمعجون من كذا وكذا لم يجز التعدي من الأجزاء والحدود التي بيّنها، وهذا يمنع عن حكم العقل بيقبح العقاب بلا بيان، وعن جريان أصل البراءة الشرعية (قاعدة رفع ما لا يعلمون) لأن السيرة العقلانية بعد امضاء الشارع ولو بعدم الردع - بمنزلة الأمانة وتوجب رفع موضوع البراءة (وهو الشك) وتكون واردة عليها، والنتيجة حينئذ قاعدة الاشتغال و بطلان العمل بالزيادة».

۳ - الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۳، ص: ۳۵۵.

۴ - الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۳، ص: ۳۵۴.

۵ - من لا يحضره الفقيه؛ ج ۱، ص: ۳۳۹.